

## گمشده در بیانیه اعلیحضرت

### در مورد جزایر سه گانه

نهم اردیبهشت ۱۳۹۱

امیر فیض - حقوقدان

معلوم است که یکی از اساسی ترین روشهای هر جامعه هوشیار و بیدار، حفظ افتخارات و جاوید نگهداشتن غرور ملی است. زنده و جاوید نگهداشتن یادگاه های ملت از رویدادها معتبرترین طریق صیانت از افتخارات و شرافتی است که ملت به مناسبت هانی بدست آورده است. همچنین است زنده نگهداشتن یاد روزهای ذلت بار که آن یادها نیز هوشیاری ملت است تا ترصد احاد ملت رابه نفرت از تجدید آن بیفزاید.

رویداد ها اگر در اثر حوادث طبیعی نباشد، ناچار قهرمانانی دارد که آفریننده و خالق رویداد ها هستند، چه رویدادها سازنده و یا ویران کننده باشد.

در بررسی رابطه بین رویداد و قهرمان و بانی رویداد یک حق معنوی مسلمی وجود دارد که موجودیت آن چنان به رویداد متصل و پیوسته است که نمیتوان رویداد را باورداشت ولی حق معنوی را برای قهرمان رویداد نشناخت زیرا رویداد بدون قهرمان و بانی رویداد نیست.

اگر بیان وقایع شوم و کشتارها و اعدامهای شورش سال ۵۷ بدون ذکر نام خمینی تفسیری نامعقول و مبهم است ذکر رویداد بزرگ میهنی روزنهم آذرماه سال ۱۳۵۰ که روزتاریخی پیوست جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس هم بدون ذکر نام شاهنشاه ایران بی انصافی و جعل تاریخ است.

ذکر عنوان «دولت شاهنشاهی ایران» در پیام اعلیحضرت، به معنای معرفی قهرمان و بانی این کار بزرگ میهنی نیست. در تمام دورانی که دولت انگلستان جزایر سه گانه را در اشغال داشت دولتهای ایران شاهنشاهی بوده است، بنابراین ارتباط دادن واقعه بازگرداندن جزایر سه گانه به ایران به دولتهای شاهنشاهی ایران ارتباط زمانی دارد نه ارتباط اجرایی.

نکته مهمی که کاملا از نظرها دور است این میباشد که، شاهنشاه ایران در سالی اقدام بازگشت جزایر سه گانه را به خاک ایران نمودند که اساسا اهمیت جزایر مزبور ابادا و هرگز مورد توجه و انتظار مردم و حتی شخصیت های سیاسی نبود نگاه کنید که حتی یک کلمه و یا یک سخن از سوی مصدق و یار هبران جبهه ملی در مورد مخالفت با حضور نظامی نیروهای انگلیس در خلیج فارس و اشغال جزایر سه گانه ایران گفته نشده است.

برگشت جزایر سه گانه ایران پس از ۸۰ سال به ایران که از افتخارات سلطنت شاهنشاه ایران [محمد رضا پهلوی] بود و هست هیچگاه حتی از سوی دولتمردان شاهنشاهی ایران ارزیابی لازم نگردید و توده عوام بسرعت تحت تاثیر تبلیغات کمونیستها و مصدقی ها قرار گرفتند که مدعی بودند «این جزایر بدون آب و علف است و هیچ ارزشی نداشته است»

دشمنان شاهنشاه ایران آنچنان ارتباط جزایر سه گانه را با شاهنشاه ایران قاطع میدانستند که دشمنی خودشان را با شاهنشاه ایران منفک و مسنله ای جدا از حاکمیت ایران بر آن جزایر نگرفتند چنانکه بنی صدر در همان اوائل شورش در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت «در صورت روی کار آمدن، حقوق اعراب را در شرط العرب محترم خواهد شناخت و ارتش کشورهای عربی را در مقابل اسرانیل تقویت خواهد کرد» و مسعود رجوی هم بعد از بنی

صدرگفت: «چنانچه مجاهدین به حکومت ایران برسند نظر عراق را نسبت به شط العرب و جزایر سه گانه خلیج فارس تامین خواهد کرد»

شهریار روحانی داماد دکتر یزدی که باصطلاح اولین سفیر جمهوری اسلامی در آمریکا بود، در سومین ماه از حکومت بزرگان اعلام کرد: «ایران از مالکیت جزایر سه گانه خلیج فارس گذشت میکند» (کتاب ۲۷۵ روزبازرگان)

## خامنه ای و جزایر سه گانه

در سال ۱۳۶۴ قذافی بامجله <التصامن > چاپ لندن مصاحبه ای داشت که بخشی از آن مورد استناد سنگر شماره ۲۶۲ قرار گرفته است.

قذافی گفت «ماباشاهی که سه جزیره تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی را اشغال کرده و سخت در ایرانی و فارس بودن خلیج فارس متعصب بود اتحاد نکردیم مامیگفتیم درست نیست دست در دست شاهی بگذاریم که در جزایر ما پرچم ایران را برافراشته و بهمین دلیل بود که ما شروع به کمک انقلابیون علیه شاه کردیم»

خبرنگار پرسیده است «آیا گمان نمیکنید در مورد حمایتی که از جمهوری اسلامی کردید لازم بود حداقل در مورد اسم خلیج فارس باشما هم عقیده میشدند»

قذافی پاسخ میدهد:

«در اولین دیدار با خامنه ای وقتی او گفت خلیج فارس، من گفتم خلیج عربی و اضافه کردم که در مورد اسم خلیج اگر وی کلمه فارس اصرار کنید ممکن است کارمان به جدال بکشد» خامنه ای گفت: «دولتهای حاشیه خلیج فارس واقعا عرب نیستند بلکه مستعمره آمریکا هستند. به محض اینکه در هر یک از این کشورها رژیم انقلابی سرکار آمد من اولین کسی خواهم بود که خلیج فارس را عربی و یا کویتی و یا هراسمی که بخواهید بخوانم»

خبرنگار پرسید: «در مورد جزایر سه گانه نظرشان چه بود»

قذافی پاسخ داد: «در این مورد هم با آنها صحبت کردم. آنها گفتند اگر حال این جزایر را پس بدهیم آمریکا آنها را به پایگاه تبدیل خواهد کرد ولی اگر طرف دیگر یعنی اعراب توانستند آزاد شوند ما فوراً این جزایر را به آنها پس میدهیم»

## شاپور بختیار و جزایر سه گانه ایران

شاپور بختیار در مصاحبه ای که روزنامه السیاسه و العرب در شماره مورخ ۲۳ ژانویه سال ۱۹۸۲ آنرا درج کرده گفته است:

**«جزایر سه گانه متعلق به ایران نیست و ایران نباید بر سر آنها با همسایگان خود کشمکش داشته باشد»**

نظریه اینکه مطلب بختیار بسیار مهم است بهتراست عین مصاحبه ایشان با روزنامه السیاسه همراه این تحقیق گردد:



تصور نمیشود که بختیار و سنجابی و بنی صدر و رجوی اساساً از اهمیت آنچه که در رابطه با جزایر سه گانه گفته اند آگاه نبوده اند؟ خریدشمنی باشخص شاه و اینکه آنها نمیتوانستند که افتخار بازگشت جزایر سه گانه بنام شاهنشاه ایران باشد آنرا چنان بی ارزش دانسته که جزایر سه گانه رابه اعراب بخواهند داد.

حیرت آوراست که مخالفین شاهنشاه ایران ابعاد مخالفت و دشمنی باشاه رابه دشمنی باوحدت و یگانگی و ترقی ایران پیوند زده اند بختیار از ۲۱ آذر و بازگشت جزایر سه گانه بعنوان یک کارنمایشی یاد کرده است. بختیار در کتابش نوشته است:

«استراتژیگاه های عظیم در کیش میساختند - طیاره کنکور د سفارش میدادند - مراکز اتمی میساختند، به کشورهای وام میدادند که حتی نامش برای من که بسیاریه جغرافیا علاقمندم نا آشنا بود - برای ارتش تفنگ «هاربون» میخریدند، در حالیکه آجربه اندازه کافی درکشور وجود نداشت» ( صفحه ۱۰۵ )

مقصود از اشاره به کتاب بختیار آن است که، هر کار مترقی و میهن پرستانه شاه نمایشی و غیر لازم و هر کمبودی حتی آجر را به حساب شاه میگذاشتند.<sup>۱</sup>

تصور میکنم مخالفین حکومتها در همه کشورهای جهان تفاوت بین دشمنی باشخص رهبر و مبارزه علیه حکومت بادشمنی با حاکمیت و استقلال کشور را کاملاً درک میکنند مگر ایرانیان. جای تعجب و یاقصد تحقیر نیست همین روزها درخواستهای متوالی از بیگانگان برای براندازی جمهوری اسلامی نمونه فقیرانه آن حقیقت دردناک است.

## نکته های قابل بازگوئی

۱- اینکه گفته شده است انگلستان به علت صرفه جویی در هزینه های نظامی خود، خلیج فارس را تخلیه کرد و شاه جای آنرا گرفت سخنی نامنصفانه است. اگر ایران همچنان فاقد نیروی دریایی کارآمدی بود که نمیتوانست امنیت کشتیرانی خلیج فارس را تامین کند، انگلستان به تخلیه خلیج فارس اقدام نمیکرد.

در حالیکه دولت انگلستان در جزایری بسیار گمنام برای حفظ سلامت راههای آبی، نیروهای دریایی خود را مجهز نگه داشته است چگونه میتوان باور کرد تنگه هرمز در خلیج فارس با چنان اهمیت جهانی ارزشی کمتر از جزایر فالکنند را دارد تنگه ای که هر ۱۲ دقیقه یک نفتکش اقیانوس پیما از آن عبور میکند و انگلستان در بیشترین منافع شرکتهای نفتی شریک و اکثریت سهام شرکتهای کشتیرانی متعلق به آن کشور است؟

حقیقت این است که با قدرتمند شدن ایران در حفظ امنیت آبهای خلیج پارس و داشتن نیروی دریایی قوی که بیشترین کشتی های جنگی ایران از انگلستان خریداری و همچنین ناو بانان ایران در انگلیس و ایتالیا و آمریکا تحصیل کرده بودند، انگلیس بی نیاز به حضور در آبهای خلیج فارس گردید. ایران در سال ۱۹۷۱ نه تنها صاحب قوی ترین نیروی دریایی در خلیج فارس بود بلکه سیاست ایران در منطقه چنان واجد رشد و برخوردار از احترام به موازین حقوق بین المللی و منشور ملل متحد گردیده بود که بهیچوجه جای نگرانی برای هیچیک از کشورهای منطقه و یاکشورهای جهان از اینکه ایران امنیت خلیج فارس را عهده دار میباشد باقی نبود. حقیقت عرض شده چنان بارز و مشهود بود که ژوزف سیسکو با اعلام خروج انگلیس از خلیج فارس نوشت:

<sup>۱</sup> هنوز هم پس از گذشت بیش از سی سال، هر کار خراب و ناجوری به «شاه» نسبت داده می شود در حالیکه همین رژیم که به همت همین آقایان و بانوان بر سر کار آمده و تداوم یافته بزرگترین خرابی هارا انجام داده ولی صدایی از این ناجوانمردان که مردم را بخاک سپاه نشانده اند در نمی آید. آنروز اگر فرزندان ایران «کاتون» می خواستند در سرتاسر ایران حتا در روستا ها از تلویزیون تماشا میکردند، امروز از «همت» همین حضرات فرزندان ایران «کارتون خواب» کنار خیابان ها شده اند. ولی این جماعت نفرت و ضدیت با «شاه» را ترک نکرده است.. ح-ک

«ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده است که لازم نیست به تعهدات و حضور نظامی خود در اقیانوس هند و خلیج فارس بیفزاید زیرا هدف آمریکا در ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس تامین شده است»

۲- تبادلذهنی ناشی از تبلیغات مخالفین شاهنشاه ایران و همچنین کم تحرکی مسئولین رژیم شاهنشاهی ایران در بیان کیفیت بازگشت جزایر سه گانه ایران، این تصویر نادرست را الگای کرده است که براحتی وبدون دردسرو کشمکش های سیاسی جزایر به ایران بازگشت شده است، خیر این تصویر خیالی است و واقعیت تصویر دیگری است که باختصار باستحضار رسانده میشود.

در سال ۱۹۶۸ دولت انگلستان تصمیم گرفت که بعلى از جمله فشار افکار عمومی جهان حضور نظامی خود را در شرق کانال سوئز مورد تجدید نظر قرار دهد و همچنین به قیمومت خود بر شیخ نشین های خلیج فارس که قدمتی ۱۵۰ ساله داشت خاتمه دهد. چنانکه چنین سیاستی رانچار شد در مورد استقلال هند به اجرا گذارد.

متعاقب این تصمیم دولت انگلستان مصمم شد که خلاء حاصل راباتشکیل شورایی از شیوخ تحت الحمایه خود در خلیج فارس تامین کند.

مهمترین مانع درتشکیل شورای مزبور حل مسئله بحرین بود انگلستان طرحی را ارائه داد که ایران در ازای اعاده حاکمیت خود بر جزایر تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی اسقلال بحرین رابرسمیت بشناسد. دولت ایران با این پیشنهاد موافقت کرد (چرایش بحث دیگری است که به این تحریر مربوط نمیشود) بر اساس طرح مزبور در سال ۱۹۷۰ بحرین با انجام رفرا ندیم زیر نظر سازمان ملل متحد مستقل گردید ولی برخلاف طرح مزبور که میبایستی مسئله بحرین و جزایر سه گانه تواما حل و فصل گردد انگلیس حاضر به ادامه مذاکره در باب جزایر نشد و ترجیح داد که بازگشت جزایر سه گانه به ایران تا ماه دسامبر سال ۱۹۷۱ یعنی تاریخی که قیمومت دولت انگلستان بر شیخ نشینهای خلیج فارس ادامه دارد بتعویق افتد زیرا که از بعد از آن تاریخ ایران باشیخ نشینهای خلیج فارس طرف بود. از آنجا که دولت ایران از سیاست وقت خری انگلستان کامل آگاه بود از سال ۱۹۷۰ شروع به اعمال فشار بر بریتانیا کرد و رسما اعلام داشت «مادام که جزایر سه گانه به حاکمیت ایران در نیاید فدراسیون امارات متحده عربی رابرسمیت نخواهد شناخت» فشار سیاسی دولت و تهدید به اقدامات نظامی دولت ایران، سبب شد که دولت انگلستان فعالیت شرکت نفتی آمریکائی «اکسید نتال» که در ۷ مایلی آبهای ساحلی ابوموسی فعال بود متوقف سازد. در فوریه سال ۱۹۷۱ حکومت ایران بطور آشکارا اعلام کرد که برای اعاده حاکمیت خود بر جزایر سه گانه در صورت لزوم به زور متوسل خواهد شد. دولت ایران فقط به اعلام توسل به زور اکتفا نکرد و در ماه می ۱۹۷۱ به نیروهای نظامی خود دستور داد بسوی هواپیماهای انگلیسی که بر فراز ناوگان ایران و سواحل خلیج فارس پرواز میکنند شلیک کند.

در ادامه این اقدامات درست یک روز قبل از خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس یعنی روز نهم آذرماه ۱۳۵۰ نیروهای ایران شاهنشاهی بفرماندهی شادروان شهریار شفیق وارد جزایر سه گانه ایران شدند و پس از ۶۸ سال، بار دیگر حاکمیت ایران بر جزایر تثبت گردید گرچه این اقدام ایران مورد اعتراض کشورهای عربی قرار گرفت و موضوع به سازمان ملل ارجاع شد ولی شکایت بیحاصل گشت (ماخذ فصلنامه تاریخ جنگ)

حساسیت موضوع محدود به یک روز بود و اگر آن یک روز هم مانند روزهای ۶۷ ساله سپری میشد ایران راهی جز جنگیدن با فدراسیون امارات متحده نداشت آیا این خدمت و هشاری و موقع شناسی متوجه کیست؟ دولت وقت است یا شاهنشاه ایران؟

## نگرانی در بیانیه اعلیحضرت

بیانیه، از نگرانی خطری بزرگ خبر میدهد و میگوید:

«از نظر حقوقی مالکیت و حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه غیر قابل انکار و بلا متنازع است ولی این خطر وجود دارد که با بالا گرفتن این تعارض بین ایران و همسایگان عرب، پای کشورهای غیرمنطقه ای بدنبال آید و سرزمین ما عرصه مبارزات بی ثمری شود که منافع ملی و تمامیت ارضی ما را به خطر اندازد»

## نقدی بر نگرانی اعلیحضرت

### تشریح نگرانی اعلیحضرت

بموازات بروز احتمالاتی در حل اختلافات مربوط به انرژی اتمی بین آمریکا و متحدانش، با جمهوری اسلامی مسئله ادعای مالکیت جزایر سه گانه جریانی حاد و نزدیک به خطر به خود گرفته است زیرا هم مسئله اتم و هم جزایر سه گانه و هم رعایت حقوق بشر همه و همه بهانه است برای تفویض حکومت ایران به عناصر وابسته به سیاست آمریکا. ابعاد این خطر را میتوان چنین ترسیم کرد.

۱- امارات متحده عربی به دادگاه بین المللی لاهه رجوع کند این احتمال با اظهارات آقای حمارک نونر - سخنگوی وزارت خارجه آمریکا که اخیراً در بیانیه ای از رژیم جمهوری اسلامی خواست که به درخواست های امارات برای مذاکره پاسخ دهد و اضافه کرد که آمریکا از مراجعه امارات به دادگاه لاهه حمایت خواهد کرد. (ماخذ بی - بی - سی) به واقعیت نزدیک میشود و در نهایت، پیش بینی اینکه دادگاه لاهه که عملاً تحت کنترل آمریکاست برفع امارات رای بدهد و ایران را ملزم سازد که جزایر را به امارات واگذار کند، چندان دور نیست، و چون امارات با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا و انگلستان دارای پیمان امنیتی است، عملاً امارات از پشتیبانی سیاسی و لجستیکی علیه ایران استفاده خواهد کرد و کافی است که یک تنش نظامی کوچکی بین امارات و ایران بوجود آید که پیمان امنیتی امارات با آمریکا و انگلستان و کشورهای عربی در صحنه سیاسی و نظامی خود نما گردد. فروش هواپیماهای فانتوم ۲۲ که گفته میشود پیشرفته ترین هواپیماهای رادار گریز است به امارات در راستای همین سناریوست و بکلای دیگر ایران با امارات طرف نیست با آمریکا و انگلستان و عربستان و کویت و حتی فرانسه و آلمان طرف است.

وقوع زدو خوردی بین امارات و ایران مسئله به خطرات فادان صلح و امنیت بین المللی و عبور کشی های نفتی رابه شورای امنیت خواهد کشید که سرنوشت آن همان نگرانی اعلیحضرت است که وقوع ابعاد آنرا نمیتوان پیش بینی کرد ولی مسلم است رای دادگاه لاهه که مورد نظر و حمایت آمریکا ست نمیتواند غیر قابل اجرا باقی بماند و تخلیه جزایر سه گانه و تحویل آن به امارات مقدمه سقوط نه جمهوری اسلامی بلکه سقوط قدرت حاکم بر جمهوری اسلامی و اداره جمهوری اسلامی بوسیله عوامل آمریکا خواهد شد و این همان است که در قسمت آخر بیانیه مورد توصیه قرار گرفته و بیانیه، مبارزه و مقاومت نسبت به جزایر سه گانه رابی ثمر دانسته است.

۲- درخواست های متوالی چندین دهه از آمریکا به خواسته دخالت در امور ایران و حتی دعوت به اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی نمیتواند اسباب نگرانی آنها در کشمکش های بظاهر و تعارض بین امارات عربی و جمهوری اسلامی شود در حالیکه بیانیه برحق مسلم و بدون تعارض ایران بر جزایر سه گانه تاکید دارد قبول تعارضات بین امارات و ایران ابهام زاست.

متقاضیان درخواست کمک و حمایت از آمریکا به امید و دلگرمی و نشاطی رسیده اند که بالاخره آمریکا به عجز و لایه آنها نیم نگاهی روا داشته و راه حلی برای برکناری سگهای وابسته به انگلیس را برگزیده تا سگهای تربیت شده و آماده خودشان را جایگزین حکومت ایران سازند؛ و تردید نباید داشت که با انتقال حکومت به آدم های آمریکائی که کاملاً مشخص و شناخته شده اند از آنجا که آمریکا به تمام ایران رسیده است دیگر جای نگرانی برای ادعاهای بی ربط و سرمشقی امثال امارات عربی نخواهد بود.